

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا

۲۳ اگست ۲۰۲۴



داکتر محمد کریم فارغی

"با سویه" بودن به چه معناست؟

گاهی که به گذشته وطن و مردم برمی گردم، خاطره ها و مفاهیم رایج آنزمان به یاد می آید که وضعیت موجود با آن هیچ تناسبی ندارد. در آنزمان یک مفهوم یا اصطلاح در محاوره ها خیلی به کار گرفته می شد که فلان شخص یا آدم، انسان با سویه ای هست، و یا می گفتند از آدم های با سویه حساب می گردد.

وقتی دقیق می شوم، در می یابم که این مفهوم یا اصطلاح به طور درست توسط اکثر مردم ما تفهیم نگردیده بود. قبل از این که به تشریح بیشتر این مفهوم بپردازم خاطر نشان می کنم که در لغتنامه های زبان انگلیسی علاوه بر توضیح و تشریح کلمات و مفاهیم، این را نیز اضافه می کنند که آیا این کلمه یک کلمه مثبت است و یا منفی، یعنی اگر آن را به کار ببریم تأثیر مثبتی خواهد داشت و یا به عکس آن. از دیدگاه من کلمه با سویه را بسیاری از مردم ما به طور نادرست شاید آدم با تحصیل، با ثروت و با موفق کاری بلند توصیف کنند، که درست نیست. بعضی ها ممکن آن را آدم با کلاس که امروز ها زیاد رایج است، معنی کنند، که باز هم دقیق نیست. زیرا کلاس به طبقه نسبت می رساند و مفهوم کاملاً جدائی را ارائه می کند.

کلمه سویه که آن را با اشخاص ضمیمه می کردند، اولاً یک کلمه مثبت است که در پیشروی نام اشخاص قرار می دادند و مفهوم آدم با سویه، زن با سویه و یا شخص با سویه، از آن به وجود می آمد که معادل انگلیسی آن Level است. هر چیزی که از سطح هموار بلند تر قرار بگیرد صاحب یک سویه یا level می گردد. به بند ها یا پته های یک زینه فکر کنید، بعضی ها در بند یا پته اول قرار دارند، بعضی ها در بند سوم و هذالقیاس. افراد با سویه نه فقط آنهایی اند که تحصیل بیشتر دارند و یا دارائی زیاد دارند، بلکه افرادی اند که دارای شعور، عواطف، خصوصیات سلوکی و رفتاری منحصر به فرد بوده و از رشد و تکامل بالاتری برخوردار هستند. این افراد با آن که در عین زمینه های اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و حتی فرهنگی با دیگران قرار می داشته باشند ولی با کوشش و تلاش

شخصی و رشد سلیقه‌ئی منحصر به فرد شان، از دیگران متفاوت تر می‌گردند. اینها برای خود شان ستندرد هائی دارند که به آن متعهد می‌مانند و تداوم به آن، آنها را در موقف شان قابل تمایز می‌سازد.

سویه یا level نتیجه تلاش و پشتکار شخصی است و به تحصیل و دارائی شخص ارتباط نمی‌گیرد. شاید یک شخص تحصیل یافته آدم بی‌سویه ای باشد و از ستندردی پیروی نکند، شاید یک دولتمند و صاحب قدرت همزمان انسان بی‌سویه‌یی باشد که مثال‌های زیادی ازین قبیل افراد در اجتماع امروز خود داریم. ممکن شخص با سویه تحصیل و دارائی اندک داشته باشد ولی مراعات ستندرد ها و ضوابط اخلاقی، سلوکی و رفتاری، او را از سویه بلندتر از دیگران تثبیت کند.

افراد بی‌سویه همواره افراد با سویه را مورد حمله و تعرض قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند آنها را در سطح خود فرو بکشند. آنها از این که نمی‌توانند موهبت‌ها و ممیزات منحصر به فردی از خود شان تبارز بدهند، افرادی با ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی را که برایشان سویه‌ای در بین دیگران ایجاد کرده اند، مورد تاخت و تاز قرار می‌دهند و به آنها عنوان مغرور، خود خواه و غیره را می‌دهند.

به یاد دارم که پس از سقوط نظام قانونمند اجتماعی_سیاسی ما در سال ۱۳۵۷ که من در آنزمان نوجوانی بیش نبودم، افرادی از متن اجتماع خود ما به زعم خود شان انقلاب کردند یعنی ارزش‌های جامعه را انفجار دادند، معیارها و ضوابط اخلاقی، انسانی و فرهنگی را درهم ریختند و به گفته خودشان سویه‌ها را از بین بردند. آنها به اشتباه افراد با سویه را اشراف و نماینده طبقات بالای جامعه می‌پنداشتند. بی‌خبر از آن که تعداد زیادی از افراد دستگاه حاکم وقت شاید افراد با کلاس بودند ولی همچنان بی‌سویه نیز بودند. آنها به این بهانه جامعه را از ستندرد ها و ضوابط اخلاقی و انسانی خالی ساختند و مانع رشد انسان با موهبت و دارای ارزشمندی‌های سلوکی و رفتاری گردیدند.

انفجار ارزش‌ها در عمق جامعه نفوذ کرد و اخلاف آنها صرف نظر از این که به چه اندیشه و تفکری خود شان را نسبت می‌دادند، این فروپاشی‌ها را امتداد دادند و محصول همه تلاش‌هایشان جامعه فعلی، خالی از سویه‌ها و یکسان با سطح زمین و حتی در مواردی پائین تر از سطح زمین، گودال‌ها و حفره‌های تاریک و ترسناک است...